

بیدل شاعر بزرگ شہ قارہ ہند

ابوالمعانی مولانا عبدالقادر بیدلؒ بانوشتن شعر و آثار دیگر خویش از تراوش های فکری خود جهان عظیمی را بوجود آورده و افکار و تخیلات خود را چنان بہ پایہ تکمیل رسانید کہ نظر بہ قضاوت منصفانہ باید بیدل را امام تفکر اجتماعی آدمیت دانست۔ این شاعر بزرگ قارہ ہند یکی از شعرا ی بزرگ و برگزیدہ، شعر و ادب دری بشمار میرفت و چون شعر و ادب در ہر عصر و زمان جدت جداگانہ ای با تسلسل بہ پیشین داشته و بقدر مقتضیات محیط عرض وجودی دارد و بنا بر این عصر عبدالقادر بیدل را می توان عصر مشکل پسندی سخن می دانست۔ درین دوران سبک ہندی باہمہ زاکتھالی محلی، تشبیہات و استعارات و چہ اغلاق و پیچیدگیهای آن و چہ معنی سخی این فرهنگ و سخن لطیف شامل و وارد معرکہ سخن گردیدہ رنگ خاصی را بجود گرفتہ نویسی نیز جمع و قافیہ از ضرویات انشا محسوب میگردد۔ درین شرایط نیز، از مراعات اسلوب مروجہ چارہ نداشت و می بایست با موشکافیہا و نازک خیالیہای کہ خاصتہ طبع او بود، سخن گفت۔ فتھا شعر و سخن خود را بیدل طرز و سبک شعری خود را از سبک ہمہ جدا میکرد و سبکی جدید و تازہ را موجود و مؤس در آمد۔

عارف کامل میرزا عبدالقادر بیدلؒ اندیشہای عرفانی خود را، اسرار و توحید و راز و رموز ہستی را در غزل با تعیرات شاعرانہ، تشبیہات و تمثیلات و استعارات و اصطلاحات بدیع و درنثر بصورت قافیہ انداز چنان استادانہ و بی نظیر باز میگفت کہ شیفگانہ اش را بہ حیرت می انداخت۔ ہمین است کہ اندیشہ های عمیق و ژرف نگری، موشکافی و نازک خیالی و انداز جداگانہ ای، راہ درک و فہم را بر خوانندگانش و علاقہ مندان شعرش محدودہ



عرس بیدل کی پہلی نشست کا ایک منظر



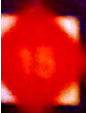
ناظم امور بیدل جناب کیرائی نظامت کے فرائض انجام دیتے ہوئے



انجمن اہل سنت کے وفد نے سعودی صدر محمد بن عبد الوہاب کی صدارت میں

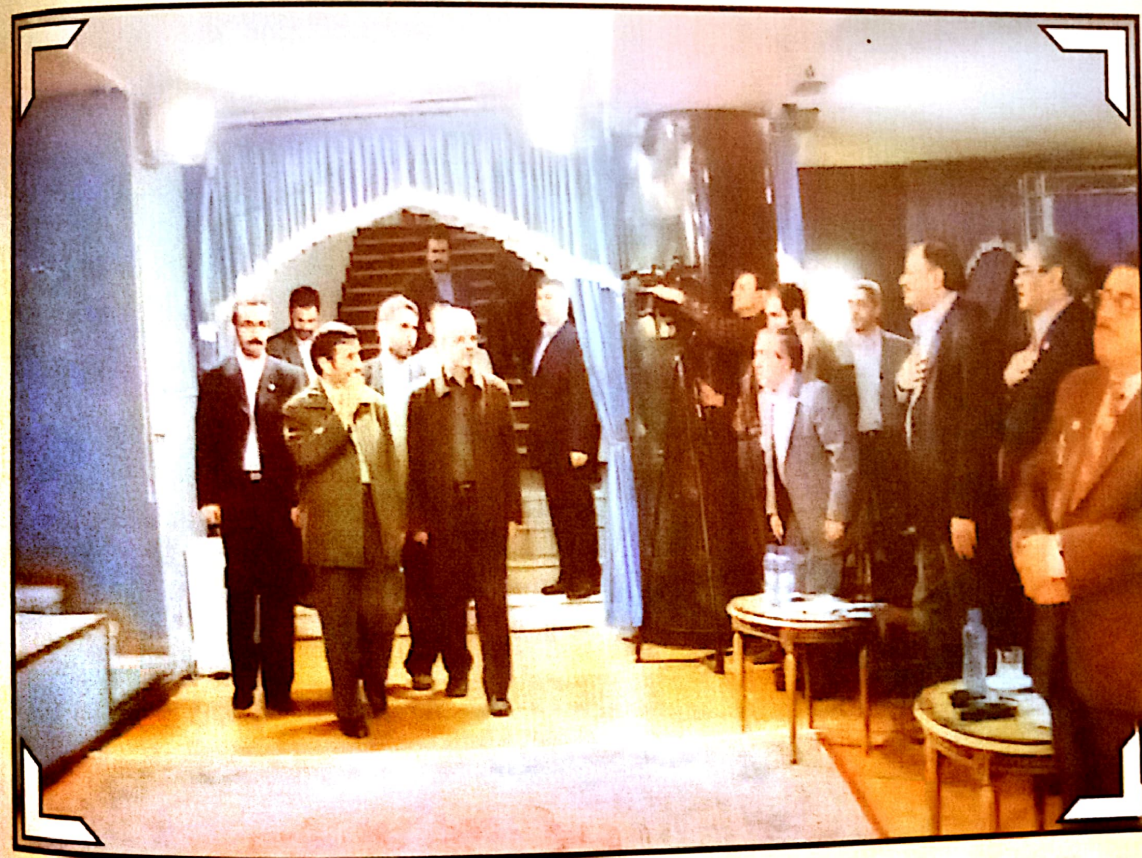


فرانس میں اہل سنت کے وفد نے سعودی صدر محمد بن عبد الوہاب کی صدارت میں





صدر جمہوری اسلامی ایران کا استقبال کرتے ہوئے





تہران میں عرس بیدل کی افتتاحی مجلس کا ایک منظر



تمامی مشکل می ساخت - چنانکه خود میگوید -

معنی بلند من فهم تنه می خواهد
سیر فکرم آسان نیست ، کوهم و کتل دارم

بیدل از بزرگ ترین شعرای مقضوف وحدت وجودی بود و تا آنجا میگوید که می توانست ، موضوع تصوف
و فکر خود را در قالب نظم و نثر ، با اصطلاحات خاص صوفیه می ریخت و این کوه و کتل را بر ابراهیم انداخت و بر بیدل
مشکل و پیچیده ساخت :

کفر است فضولی به ادب گاه حقیقت
در خانه خورشید ، دلایل چه فروشم

اگر غبار ز من کنی ، و گر آسمان برین کنی
من اسیر بیدل بیگم ، تو کریم بنده نواز من

این که مقاله در نظر سخن از آن چکیده ایست که کنفرانس عرس بیدل ، در تهران در بحث بود ، استاد اسد
الله حبیب افغانی محقق و دانشمند بزرگ این شعر زیر بیدل را برای من میخواند که من خودم تا هنوز از آن بیگانه
بودم - اما استاد اسدالله حبیب خودش این حقیقت را اعتراف نمود که عبدالقادر بیدل گاهی سفر کشمیر بی نظیر کرده
از حسن و خوبی و کشش شنیده ای را چنان در قالب شعری آورد که خواننده ناچار است خیال کند که بیدل لازماً
سفر کشمیر نموده باشد ، این البته رباعی بیدل است از گفته اسدالله حبیب باور کردنی -

کشمیر که آبروی عالم باشد
از صد می شیراز مقدم باشد
نی آب دهند جای انگور اینجا
تا نغمه و باده هر دو باهم باشد

اینک هر چند که اطلاع ما است و یاد در تاریخنامه ها نوشته شده ، اطلاعاتی از سکونت و یا سفر بیدل به کشمیر در نمی آید -

ازین رو ممکن است مثل کسانی از دیگران بیدل هم در توصیف و شهرت نادیده رانجیال مبارکش در آورده باشد
 انتقادی زیاد در باره بیدل و کلامش در عصر حاضر بشکل ویژه نامه میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، در فصل نهم
 (خانه فرهنگ ایران دهلوی نو) بنام قندپاری و قبل ازین کنگرها و عرس بیدل در معرض وجود آمده است و در باره
 احوال و آثار بیدل و سبک و کلامش هم قدری زیاد تحقیق سخن گفته میشود و در طول زندگانی بیدل، مسافرت های
 بیدل هم مذکور شده و اما مسافرت ایشان بکشمیر به پچکس در ذکر نیست - نظر دانش پژوهانی که در باره بیدل
 کجای خودشان را ابراز کرده اند و ما را از فکر فهم خودشان، در درک بیدل گوشه نمایی کرده اند باین صورت
 است که از دیدگاه بیدل سخن موزون باید کنایه و اشاره بی نهنفته، که در یافتنش دروازه دیگری، غیر از معنای
 ظاهری، بر خواننده بکشاید، داشته باشد

بیدل اینجا کجاست دام و چه صید
 دل کندیت پیچ و تاب فروش

هرچه باد اباد گویان تاخت هستی بر عدم
 راه آفت داشت اما کاروان بیباک بود

استاد اسدالله حبیب مصنف "واژه نامه شعر بیدل" در کتاب پرارزش خودش معنی و مراد های از
 اصطلاحات و محاورات و تمثیلات و واژه های مخصوصی که بیدل در شعر خود بکار برده است محائل به رواج در
 فرهنگ و معاشرت افغانستان قرار داده است با توضیحات اوقات و احتیاج آن - بیدل ازین طایف فرهنگ و
 محاوره افغانی که تا هنوز به همان صورت در کارست، بکار برده که پرورده و شناخته اوست و می توان گفت که
 "واژه نامه شعر بیدل" زبان پارسی دری و فرهنگ افغانستان است و اولین بار است که فرهنگ افغانان از
 روی بیدل شناخته می شود - دانشمند ارجمند و محقق و ناقد معروف هند کرسی بیدل پژوهی و بیدل شناسی در دانشگاه
 دهلوی پروفسور دکتر شریف حسین قاسمی میگوید -

چشم بر تفرقه از آن مجمع رنگین دور باد - کلیاتی از آن حضرت یادگار است که شمار تمام ابیات آن نود و نه هزار بیت

است و آن را در عین حیات خود چهار مصراع نو بیاندازد و وزن کرده چهارده سیر متعارف به وزن در آمد.
در پله دوم میزان برابر آن اکثر فلزات و جواهر آلات داشته خیرات نموده و در آن وقت فرمود که اهل هند اولاد
خودها را وزن کرده تصدق می دهند. از آنجا که نتیجه بیدلان همین نتایج طبع می باشند، من هم خیریت آنها را
خدا خواستم امید که قبول شود!

سخنوران عاف و متفکری که ظرف اندیشه و خانه وجودشان زبان فارسی است فکر و ذکر قول و غزلهای
جهانی را. از بنگال تا اروپا و آمریکا و آفریقا. به زیر شهر خود گرفته است. ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل یکی از
این بزرگان و سرآمدان سخن فارسی است. که کلام حقیقت مدارش گنج خانه اسرار وجود و آئینه غیب و شهود است.
تحقیق و ترجمه آثار میرزا عبدالقادر بیدل بزبان ازبکی و معرفی آنها به مردم ازبک زبان، برای
ادبیات ازبک به دلایل مهم است:

- ۱- بیدل که اجدادش از قبیله بر لانس از شهر سبز بودند فرزند ملت ازبک نیز محسوب می شود
- ۲- بیدل یکی از اندیشمندی شتاری شود که تاثیر قابل ملاحظه ای در رشد و تکامل اندیشه اجتماعی و فلسفی
ماوراءالنهر داشته و نقش بزرگ در زندگی ادبی و فرهنگی آن ایفا کرده اند.
- ۳- بیدل یکی استادان سخن بزرگ نه تنها شرق بلکه جهان محسوب می شود.
البته در ازبکستان در جهت تحقیق زندگی و فعالیت میرزا عبدالقادر بیدل و معرفی میراث ادبی و فلسفی
وی به مردم کارهای قابل ملاحظه ای انجام شده است. ارگش ذاکر آچیل اف میگوید، درین مورد
باید تحقیقات عبدالرؤف فطرت، صدرالدین عینی، ابراهیم مومن اف، شاه محمد اف، شوکت شکور اف
، حمیدجان حامدی، نجم الدین کامل اف و غیره را یادآوری کنیم^۳
- ۴- احساسی که در آغاز با خواندن اشعار بیدل به آدمی دست می دهد، بی شک یاس و ناکامی است، نه
بخاطر مضامین یاس بر انگیز اشعار او، بلکه بخاطر معانی پیچیده و به خصوص زبان صعب و ناآشنای او^۴
در باره سنگینی بیان و ثقل و ابهام و اغراق در شعر بیدل پروفسور نبی هادی معتقد است که کلام منظوم
بیدل، انسان را یاد "کانت" Kant فیلسوف آلمانی می اندازد که وقتی تالیف خود را بدو ستش سپرد، وی
آن تصنیف را تا نیمه خواند و پس فرستاد. وقتی کانت (Kant) از او نظرش را خواست، وی گفت در

ذهنم خشکی پیدا شده و بیم آن می رود که دیوانه می شوم،^۵

در جغرافیای عارفانگی غزل بیدل، صفات پاکی درونی، حالتی فورانی میکیرد و چون کلمات، گنجایش نمود آنچه را که شاعری بیندومی خواهد بنظهور برساند، ندارند، ناچار شبنم آگینی و باران زدگی، این شیشه زاری شویند و اندیشه را که در پس آن قرار گرفته به پیشه انبوه و شرجی و نیمه تاریک بدل میکنند.^۶

در سبک عراقی، واژه های بخصوص و تصاویر و تشبیهات و استعاره هایابی جا افتاده، سنگ نباهای شعر اند و در معماری سنتی شعر عراقی، از همانها استفاده می شود. این سنگ نباهادر طول سالیان چنان صیقل خورده که تصاویر محدود مشخص، استعاره های بوجود آمده که کارکردی مشخص دارند. بعنوان مثال در سبک عراقی برای پدیده های همچون اشک، چشم و گل استعاره های انگشت شمار وجود دارد.

امادرسبک هندی که انقلابی در صورخیال و ترکیبهای شعری است، واژه های شعری و استعاره ها چنان که در سبک عراقی دیده می شود، مشخص و خاص نیستند. تقریباً هر واژه ای می تواند برای انتقال معانی و احساس در شعر آورده شود و به همین ترتیب هر تشبیه و استعاره ای مجاز است بانقلاب شعر کمک کند. در شعر بیدل، اوج تصویرپردازی و تخیل سبک هندی است، تصاویر نامحدودند، اما باتوجه به نگاه استعاری بیدل که هر چیزی را بشکل ذهنیت خود درمی آورد تصاویر و استعاره های مختلف روی درجهتی خاص میگذارد. در واقع نگاه بیدل، اشیاء مفاهیم را به همسویی و همسانی فرامی خواند^۷

شیوه شاعران ایرانی دوره صفویه و هندی دوره گورکانی در سده یازدهم هجری است که از آن بانام های سبک اصفهانی و سبک هندی یاد می شود. در میزان روی کرد، شاعران این روزگار ان به شعر شاعران و مضمون های راتج ادبی motive در سبک عراقی راتج ایران است. بیدل تماس با سبک عراقی را در حدوزن و قافیه و بی یادکرد از نام شاعر پیش از خود نگاه میدارد و با "رستانخیز ادبی" سبک ادبی خاص خود را بنیادی نهاد.^۸

میرزا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی هندوستانی متخلص به بیدل (۱۰۵۳-۱۱۳۱ هـ) در نظم و نثر، صاحب شیوه خاص بوده و در بیان معانی و مقاصد گوناگون خویش بانهایت توانایی سخن گفته است و بدین جهت او را بزرگترین شاعر پارسی گوی متاخر، پس از استادانی مانند امیر خسرو و هلوی و عبدالرحمان جامی می دانند. وی در ایراد مضامین باریک، مبالغه و اصرار می ورزید و در آثارش اندیشه های عرفانی و غنایی بامضامین پیچیده شاعرانه و

تشبیهات و ترکیبات استعاری در هم آمیخته است^۹

میرزا عبدالقادر بیدل از نژاد مغول و متعلق به قبیله برلاس است نیاکان بیدل اصلاً از ماوراءالنهر بوده و در بخارا زندگی می کرده اند پدرش عبدالحق سر باز متمولی بود که نجهان پشت پاز و دنیای تصوف را برگزید و بطریقه قادری پیوست و از طریق سند به هند رفت - بیدل در آنجا در ۱۵۴۲ هـ ق در زمان شاه جهان متولد شد و در دوره های بعد در معرض آرای متناقض قرار گرفته است - عده مخصوص فارسی زبانان ایران، شعر او را نمونه آشفته گویی و ضعف تالیف دانسته اند حتی شعر او را در حد شاعران درجه چندم نیز قرار داده اند و عده ای برخلاف این گروه، شعر بیدل را چکیده ظرافت و نازک خیالی دانسته اند^{۱۰}

نخستین صنعت، بازی با واژه های افسون و واژه هاست - بازی با واژه ها در ادبیات جهان بیشتر برای تفریح و تفنن صورت می گرفته و میگرد - و شاعران در هر زبانی افزایش گیرایی و کشندگی کلام از آن کار گرفته اند - مگر عبدالقادر بیدل، برکنار از هر گونه هزل گرای و ملاحظه نگرایی برای بیان جدی ترین مضامین و گفتنیها و واژه ها را در زنجیره های نا آشنای زبان می نشانند، که من من نام افسون و واژه ها بر آن نهادم -^{۱۱}

بس از آنکه شهرت بیدل و سبک نویسندگی و شاعری وی در ابتدای قرن سیزدهم هجری قمری در ماوراءالنهر پیچید و نویسندگان و شاعران این منطقه پیروی از بیدل را در شعر و نثر برای اثبات توانایی خود در عرصه ادبیات آغاز کردند - جریان بیدل گرایی درین منطقه با تقلید از نورم و اندیشه این شاعر بزرگ رواج گرفت و پس از خروج از دایره خواص و ورود به مدارس و مکاتب این شهر با به یکی از دل مشغولی های هر روز پینه عوام نیز تبدیل شد -^{۱۲}

شعر بیدل مثل یک فرمول ریاضی است ممکن است نتیجه صفر شود اما مهم پییودن راه است و اصل نتیجه نیست و کسانی که در هر جمله ای دنبال معنی ای میگردند نمی توانند با شعر بیدل ارتباط برقرار کنند -^{۱۳}

در شعر بیدل برغر رسوم و آیین های هندوان که با سبک هندی در شعر بیدل تنگاتنگ ارتباط دارد مثلاً حنا بستن، سوزاندن اجساد، اسپند سوزی، سوزاندن عود و دیگر خال کوبی زنان و معشوقگان و علاوه برین زیبا ترین ویژگی شعر بیدل که خاص فرهنگ هندوان است بجلوه آمدن بت یا معشوق بی نقاب و بی حجاب بالباس های رنگین و حرکات فریبنده بر چمنزارها و مناظر مصفای هند و خود آرای هایش از فرق سر تا ناخن پا که در

سبک شعری بیدل و تاثیر محیط بر شعر او نقش سبزی دارد۔^{۱۴}

بیدل چون بخندار سیدن را اصل و مقصود حیات می داند۔ بنابراین اشاره می کند که انسان باید از عالم کثرت و عالم من و ما خود را دور کند تا به عالم وحدت و در اصطلاح متصوفه به عالم من برسد۔^{۱۵}

بیدل هندی (عظیم آبادی در سال ۱۰۵۴ هـ ق) چشم بجهان گشود و در شاه جهان آباد روزگارش را سپری کرد و در سال ۱۱۳۳ هـ ق بمر هفتاد و نه سالگی ازین جهان چشم پست۔ آثار و فراوان و کلیات دیوانش معروفست۔ اشعار بیدل بسیار مورد ادب دوستان پارسی گویان و پارسی سرایان جهان می باشد۔ چون گرایش و سرایش ادب دوستان ایرانی به سبکهای خراسانی و عراقی بیشتر بوده است فکر و توجه کمتری به سبدهندی و اشعار بیدل شده است۔ مهترین ویژگی شعر بیدل عبارتند از دارا بودن تک بیتهای گویا با تمثیلات زیبا۔ روی آوردن از ظاهر بباطن، شعر و ارتباط برقرار کردن بین محسوس و نامحسوس، دارا بودن واژگان و عبارات عامیانه، مضمون یابی های دقیق و باریک و دانش تخیلات دور از ذین و دشواریاب شخص انگاری یا جان بخشی به موجودات بی جان۔ وجود تناقص در شعر روی آوردن به تصویرهای روحی و احساسی۔ ترکیب سازی های نو۔ و شگفت انگیز۔ دارا بودن وزن های بلند، تکرار قافیه و ردیف های دشوار۔ حس آمیزی۔ وابسته های عددی،۔ بکاری گری استعارات مجاز کنایات و تشبیهات تازه و دور از ذهن۔

بلبل طفل مزاجم به کجا دل بندم
گل این باغ ز رنگین قفسان می باشد

حیرت دمیدام گل داغ بهانه ایست
طاووس جلوه زار تو آئینه خانه ایست

محقق معروف دوره حاضر دکتر شریف حسین قاسمی در مقاله خودش که مبنی بر تحقیق درباره میرزا عبدالقادر بیدل است چنین می آرد که "بیدل در اکبر نگر (حالا واقع در بنگال) در سال ۱۰۵۴ هـ - ۱۶۴۳ م. بدینا آمد و بعد از زندگانی نسبتاً طولانی در سال ۱۱۳۳ هـ - ۱۸۲۰ م. بدرود حیات گفت از جمله شعرایی است که آثار

منظوم و منشورش همیشه مورد توجه علاقه مندان بوده است - صاحبان ذوق در هند و ایران و افغانستان و
پاکستان حتی امروز هم شعر بیدل را با علاقه مندی می خوانند - ۱۶

بیدل آن شعله کز و بزم چراغان گرم است

یک حقیقت به هزار آئینه تابان شده است



ادامه دارد تحقیق در مسافرت بکشمیر بفرموده خود

حواشہ

- ۱- چکیدہ... عرس بیدل۔ ص ۵۳
- ۲- ستاد برگزاری کنگرہ۔ ص ۹-۱۰
- ۳- عرس بیدل۔ چکیدہ۔ خانم سرکار رگش ذاکر آچیل اوف
- ۴- احیاء آقا زادہ۔ پڑو ہشنگر۔ عرس بیدل۔ ص ۱۳
- ۵- ازقوانبی ہادی۔ عرس بیدل۔ آقا زادہ۔ ص ۱۳
- ۶- خسر و احتشامی ہوگانی پڑو ہشنگر
- ۷- دکتر محمد رضا اکرمی، پڑو ہشنگر
- ۸- کسری بقایی پور
- ۹- دکتر احمد پیش گر
- ۱۰- صفیہ جمالی۔ مشہد
- ۱۱- اسد اللہ حبیب افغانی۔ آلمان۔ ص ۲۷
- ۱۲- دکتر ابراہیم اوف و دکتر کریم اوف۔ ص ۲۹
- ۱۳- حسین علی ساسانی
- ۱۴- نرجس سپھر نژاد
- ۱۵- فایزہ شہابی پور
- ۱۶- قند پاری۔ شمارہ ۳۹-۴۰، زمستان۔ فصلنامہ فرہنگ و زبان و ادب فارسی خانہ فرہنگ، دہلی نو